

ابعاد عفاف در سیره حضرت زهرا (علیها السلام)

نرجس عبدیائی*

چکیده

عفاف، آموزه ضروری اسلام و مصونیت‌بخش فرد و جامعه از آسیب‌های مادی و صدمات روحی است. مکتب قرآن به رعایت قوانینی خاص در سه بعد مهم عفاف (پوشش، رفتار و کلام) تأکید دارد. حضرت زهرا (علیها السلام) در جایگاه انسانی مسلمان، فرزند نبی و حاکم اسلام، در طول حیات خویش بانویی عفیفه در هر سه بعد بود. از نظر پوشش، در اجتماع بر روی لباس‌ها، مقنعه (روسری) و بر روی مقنعه، چادری بلند داشت. همراهان زن، ایشان را برای نقش‌آفرینی سیاسی تا مسند حکومت مشایعت می‌کردند. در منزل هنگام روبه‌رو شدن با مرد نابینا نیز حجاب خود را رعایت می‌کرد. حتی بر پوشیدگی صحیح جسم بی‌جانش نیز تأکید داشت و در عالم محشر نیز عفاف و حجاب ایشان متمایز است. آن حضرت از نظر تربیت کودکان، همسراری، فرزنداری و حضور در منزل بدون اینکه در معرض دید نامحرم باشد، رفتار عفیفانه‌ایی را الگوسازی نمود. ایشان در ابراز حاجات دنیوی عفیفه و بی‌نیاز از مردم بود. فرزند حاکم مدینه، منزلی ساده با کمترین امکانات را اداره می‌کرد. آن حضرت در محتوا، آهنگ و ترتیب سخن، کلامی عفیفانه داشت، جملات و کلمات لغو و بیهوده از گفتار ایشان به دور بود، آخرین راهکار مبارزاتی وی در برابر مخالفینش سکوتی عفیفانه بود. حضرت فاطمه (علیها السلام) حیات پرکاری در دوران رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و بعد از رحلت ایشان داشت که با عفاف ایشان عجین بود.

کلید واژه: حضرت زهرا (علیها السلام)، عفاف، عفاف در پوشش، عفاف در کلام، عفاف در رفتار.

دختر رسول خدا در طول زندگی اندک خود، از نقش آفرینی و حضور در میدان‌های سیاسی-اجتماعی در مواقع ضرورت دریغ نداشت؛ زیرا اسلام دین کاملی است که در تمام عرصه‌ها و از جمله در حوزه مسایل اجتماعی و سیاسی برای تعالی بشر برنامه دارد. در این نوشتار بررسی خواهد شد که عفاف، در زندگی اجتماعی-سیاسی حضرت زهرا (علیها السلام) چه ابعادی دارد؟ برای بررسی دقیق این موضوع، عفاف به سه بخش تقسیم می‌شود؛ عفاف در پوشش، عفاف در رفتار و عفاف در کلام.

ابعاد عفاف در نظام امامت

معنای عفاف با خویش‌داری و پرهیزکاری عجین است. این واژه در اصطلاح به مفهوم خودداری از غیر حلال است که خود، در جاتی دارد تا جایی که بهره‌مندی کمتر از حلال نیز در این زمینه معنا می‌یابد: «اگر عفاف عبارت است از خودداری از هر چه قبیح و نازیباست، باید بر سمع و بصر و زبان و عورت و صوت و بدن و قلب سیطره یابد»^۱.

این واژه در آیات متعددی از قرآن کریم استفاده شده است:

«... یَجْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَعْنَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ...»^۲... از شدت خویش‌داری فرد بی‌اطلاع آنها را توانگر

می‌پندارد». (عفت به معنای خویش‌داری در اظهار نیاز)

«... مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ...»^۳... و آن کس که توانگر است باید

از گرفتن اجرت سرپرستی خودداری ورزد...». (عفت به معنای قناعت)

«وَالْيَسْتَعْفِفُ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...»^۴ و کسانی که [وسیله] زناشویی

نمی‌یابند باید عفت ورزند تا خداوند آنها را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند...». (عفت به معنای پاکدامنی)

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ
غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ...»^۵.

و بر زنان از کار افتاده‌ای که [دیگر] امید زناشویی ندارند گناهی نیست که

پوشش خود را کنار نهند [به شرطی که] زینتی را آشکار نکنند و عفت ورزیدن

برای آنها بهتر است...».



در آیه فوق به وضوح به عفاف در پوشش اشاره شده است. همچنین در آیاتی دیگر، خداوند متعال ابعادی از عفاف را بدون استفاده از واژه، این گونه مطرح نموده است:

قل للمؤمنین یغضو من ابصارهم و یخفضوا فروجهن ذالک اذکی لهم ان الله خیر بما یصنعون* قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن و لا یتدین زینتهن الا ما ظهر منها و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن و لا یتدین زینتهن لبعولتهن او آبائهن او آبای بعولتهن او ابناهن او ابنای بعولتهن او اخوانهن او اخواتهن او نسائهن او ما ملکت ایمانهن او التابعین غیر اولی الاربه من الارجال او الطفل الذین لم یظهرو علی عورت النساء و لا یضربن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن و توبوا الی الله جمیعاً ایة المؤمنون لعلکم تفعلون.^۶

به مردان باایمان بگو که دیده‌های خود را فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنها پاکیزه‌تر است؛ زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است* و به زنان یا ایمان بگو که دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو نهند و دامان خود را حفظ کنند. زینت خود را آشکار نکنند مگر آنچه که به طور طبیعی از آن پیداست. سرپوش‌های خود را بر گریبان و سینه خود ببندازند. زینت خود را آشکار ن سازند، مگر برای شوهران خود یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا پسر همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان هم‌کیششان یا بردگان‌شان یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند و یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند. زنان هنگام راه رفتن، پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت‌هایشان آشکار شود. ای مؤمنان، همگی به سوی خداوند بازگردید تا رستگار شوید.

جایگاه عفاف و ابعاد آن در نظام اجتماعی اسلام مورد توجه ویژه است و رعایت یا بی‌مبالاتی درباره آن، مرز میان نزدیکی به خداوند یا دوری از او می‌باشد. این آیات بخشی از آداب معاشرت و دستورات اجتماعی اسلام است که ارتباط نزدیکی با مسایل مربوط به عفت عمومی دارد.^۷

۱. عفت در رفتار

عفت در رفتار، از جمله بخش‌های عفاف و خویش‌نظمی داری مؤمنانه در نظام فکری اسلام





می‌باشد. حفظ حریم نگاه، حفظ غرایز، معاشرت عفیفانه، عفت در ابراز نیاز و تعلق به زینت‌های مادی و رعایت دیگر ملکات رفتاری در این حیطة مطرح می‌شود.

با توجه به آیاتی که پیش‌تر گفته شد، «یغضض» از رهنمودهای قرآن در این باره است. این واژه از ماده «غض» به معنای «کم کردن» و «نقصان» است و در بسیاری موارد به کوتاه کردن صدا یا کم کردن نگاه گفته می‌شود؛^۸ یعنی باید هر دو گروه مردان و زنان در نظام اجتماعی و در ارتباط با یکدیگر، نگاه خود را کوتاه کنند. برای نمونه اگر مردی هنگام روبرو شدن با زن نامحرم، چشم‌های خود را ببندد، راه رفتن و انجام کارهای دیگر برای او ممکن نیست، ولی اگر نگاه را از صورت و اندام او برگیرد و چشم خود را پایین اندازد، گویی از نگاه خود کاسته و غیر از ضرورت را نمی‌بیند.

گزاره بعدی در رعایت عفاف در رفتار، خویش‌داری و رعایت حریم اسلامی در زمینه غرایز طبیعی است. حفظ عورت و پوشاندن آن از نگاه دیگران، از آموزه‌های اسلام است. رعایت این نوع عفاف نیز مشتمل بر زن و مرد می‌باشد.

عفاف رفتاری همراه با عفت در پوشش، به نوع استفاده از ذخایر و زینت‌های ناپایدار دنیا نیز مربوط می‌شود. قرآن کریم در این مورد تذکر داده است که زنان نباید زینت‌های خود را آشکار سازند، جز آن مقداری که به طور طبیعی پیدا است؛ به این معنی:

زنان حق ندارند زینت‌هایی که معمولاً پنهانی است را آشکار کنند، هر چند اندامشان نمایان نشود. به این ترتیب، آشکار کردن لباس‌های زینتی مخصوصی که در زیر لباس عادی یا چادر می‌پوشند، جایز نیست.^۹

زنان عفیفه از رعایت این موضوع برای به کمال رساندن ملکه عفت در وجودشان غفلت نمی‌ورزند. عفاف در معاشرت و راه رفتن نیز مورد سفارش اسلام در بخش عفاف رفتاری است. با توجه به آیات قرآن، بانوان عفیفه هنگام راه رفتن نباید پاهای خود را به زمین بزنند تا زینت‌های آنها آشکار شود. رعایت عفت در زنان چنان دقیق است که از رساندن صدای خلخال پایشان به گوش مردان بیگانه نیز باید خودداری کنند.

۲. عفت در پوشش

نوع پوشش و رعایت شاخصه‌های عفاف در این باره نیز برای حفظ کرامت انسانی لازم

است. توصیه قرآن کریم به اینکه زنان، «خمار»های خود را بر سینه افکنند، آموزه‌ایی برای دستیابی به مقام عفاف در میان بانوان اسلام می‌باشد. «خمر» جمع «خمار» به معنای پوشش است و به چیزی گفته می‌شود که زنان با آن، سر خود را می‌پوشانند.

زنان، قبل از نزول آیه، دامنه روسری خود را به شانه‌ها و پشت سر می‌انداختند؛ به طوری که گردن و کمی از سینه آنها نمایان می‌شد. قرآن دستور می‌دهد که روسری خود را بر گریبان خود بیافکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است، مستور باشد.^{۱۰}

ضرورت حفظ پوشش، برای تمام صحنه‌های حضور زنان نیست، بلکه گاهی می‌تواند بدون حجاب باشند. بانوان می‌توانند در حضور شوهران، پدران، پدر شوهران، پسران، پسران همسران، برادران، پسران برادران، پسران خواهران، بردگان، سفیهانی که تمایلی به زن ندارند، بردگان‌شان و کودکانی که از امور جنسی آگاه نیستند، حجاب خود را برگیرند و زینت پنهان را آشکار سازند.

۳. عفت در کلام

انسان مؤمن برای رعایت عفت در کلام، سه جنبه را در نظر می‌گیرد؛ آهنگ صدا، کیفیت بیان سخن، درون مایه و محتوای گفتار. در نظام اسلامی، این سه جنبه با عبارت‌های «قول لین»، «قول سدید» و «قول بلیغ» بیان می‌شود. کلام عفیفانه از اندیشه متعالی سرچشمه می‌گیرد. از این رو، عفت در اندیشه مقدمه عفت در کلام و رفتار است. انسان عاقلی که اندیشه‌های خود را مدیریت می‌کند، عفیف است: «مَنْ عَقَلَ عَفَّ».^{۱۱}

شخصیت الگویی حضرت زهرا (علیها السلام)

عفاف، شاخصه مشترک مؤمنین است. برای درک بهتر جایگاه و ابعاد این شاخصه مهم در زندگی حضرت زهرا (علیها السلام)، بررسی مختصر اوضاع زمانه و اشاره‌ای به شخصیت ایشان ضروری است. قرآن کریم غیر مستقیم به برخی از نکته‌ها در سیره حضرت زهرا (علیها السلام) اشاره دارد. یکی از افتخارهای ایشان صفت «خیر کثیر» یا «کوثر» است که در آیات مبارکه سوره کوثر بیان شده است. در آیه مباحله، حضرت زهرا (علیها السلام)، امام علی (علیه السلام)، امام حسن (علیه السلام) و امام





حسین علیه السلام، فرزندان پیامبر معرفی شده‌اند. سوره دهر از یاری رساندن حضرت زهرا علیها السلام و خانواده‌اش به فقرا خبر می‌دهد. آیه کریمه تطهیر، در شأن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله که پنج تن آل عبا می‌باشند، نازل شده است. پس از نزول آیه تطهیر، رسول خدا هرگاه برای نماز صبح رهسپار مسجد می‌شد، با عبور از کنار خانه فاطمه علیها السلام می‌فرمود: «ای اهل بیت، هنگام نماز است. خداوند می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً پیراسته گرداند». این شیوه را حضرت، شش ماه تا هشت ماه ادامه داد.^{۱۲}

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمان بیان حدیث کساء چنین کرد: «... گوشه‌های پارچه را بالا گرفت و اطراف را جمع کرد و عرضه داشت: خدایا، اینان از من‌اند و من از اینان. خدایا همان‌گونه که من از اینها خشنود هستم، تو نیز از آنان راضی و خشنود باش».^{۱۳}

رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تبیین جایگاه و مقام این بانوی گرامی نشانگر شخصیت الگویی حضرت زهرا علیها السلام است. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خداوند با خشم فاطمه خشمگین و با رضایت او خشنود می‌شود» یا «فاطمه پاره تن من است، هر کس او را بیازارد مرا آزرده و کسی که به او محبت ورزد، به من محبت داشته است» نشان‌دهنده شخصیت و مقالِم والای این بانوی گرامی است.^{۱۴} همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اگر علی نبود در تمام زمین هم کفوی برای فاطمه پیدا نمی‌شد».^{۱۵}

حضرت فاطمه علیها السلام الگویی برای تمام زمان‌ها و همه انسان‌ها می‌باشد. وی شبیه‌ترین افراد به نبی اکرم بود.^{۱۶} برخی القاب ایشان نزد خداوند عبارتند از: صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه و زهره.^{۱۷}

پوشش عفیفانه در اجتماع

حضرت زهرا علیها السلام الگوی والای عفاف در پوشش است. نوع لباس و پوشش آن حضرت در شب عروسی، نشانگر عفاف فاطمی می‌باشد:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به ام سلمه فرمود: «فاطمه را نزدم بیاور». ام سلمه، فاطمه علیها السلام را نزد پدر آورد؛ دامان لباسش به پاهایش می‌پیچید و از حضور در پیشگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله، عرق شرم بر پیشانی‌اش می‌ریخت و پایش می‌لغزید. وقتی فاطمه علیها السلام مقابل پدر ایستاد، حضرت نقاب از چهره مبارک زهرا علیها السلام بر گرفت تا علی علیه السلام

او را ببیند. سپس رسول اکرم به دختران عبدالمطلب و زنان مهاجر و انصار دستور داد فاطمه علیها السلام را همراهی کنند و با اظهار شادمانی و خواندن اشعار و تکبیر گویان، حمد و سپاس خدا گویند و سخنی را که خشم خدا در آن باشد به زبان نیاورند...^{۱۸}

این پوشش و حیای عقیقانه فاطمه علیها السلام در شب ازدواج، باید الگوی مراسم‌های عروسی باشد؛ زن در آن شب با چهره و پاهای پوشیده در میان زنان دیگر راه رود و قدم دارد، اذکار مراسم عروسی تکبیر و حمد خداوند است. همچنین در این روایت، حجب و حیای ایشان در مقابل پدر و همسر نمایان می‌شود. زن در خانه و در محضر پدر و فرزندان نیز اگرچه به حجاب نیاز ندارد، باید پوشش عقیقانه‌ای داشته باشد.

در روایت دیگری آمده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله دید فاطمه علیها السلام ردایی از جل‌های شتر پوشیده و با دستان خود آسیا می‌گرداند و فرزندان خود را شیر می‌دهد. از دیدن این منظره اشک از چشمان مبارکش خارج شد و فرمود: «تلخ کامی‌های دنیا را برای دستیابی به شیرینی آخرت بخر». فاطمه علیها السلام در پاسخ گفت: «خدا را بر نعمت و کرامت‌هایش شکر و سپاس می‌گویم» و خداوند این آیه شریفه را نازل فرمود: «و لسوف یعطیک ربک فترضی؛ خدا در قیامت آنقدر به تو نعمت عطا کند تا راضی شوی».^{۱۹}

در این روایت، عفاف فاطمه علیها السلام در رضایت از زندگی ساده و دوری از رفاه‌زدگی دیده می‌شود. فاطمه علیها السلام با خویش‌داری و تقوای الهی از تجمل و مصرف‌گرایی و دنیازدگی که زنان به آن دل می‌بندند، فاصله می‌گیرد.

حفظ حریم عفاف با محرم و نامحرم مرزهای مشخصی دارد. روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام ورود به خانه دخترش، نخست دست بر روی در گذاشت و در را کمی عقب زد. سپس فرمود: «السلام علیکم». فاطمه علیها السلام پاسخ سلام پدر را داد. پیامبر فرمود: «اجازه دارم وارد شوم؟» عرض کرد: «وارد شو یا رسول الله». پیامبر فرمود: «کسی که همراه من است هم آیا اجازه دارد وارد شود؟» فاطمه علیها السلام فرمود: «مقتنه بر سر من نیست» و هنگامی که خود را به حجاب اسلامی محجب ساخت، پیامبر صلی الله علیه و آله دوباره سلام کرد و حضرت فاطمه علیها السلام جواب سلام داد و باز اجازه ورود برای خودش گرفت و پس از پاسخ فاطمه علیها السلام، اجازه ورود برای همراهش



جابر بن عبدالله گرفت.^{۲۰}

فاطمه علیها السلام عفاف را نه فقط در برابر نگاه نامحرم رعایت می کرد، بلکه پوشیدگی و حجاب، بخشی از شخصیت این بانوی اسلام بود. از این رو در برابر نابینا نیز حجاب داشت.

روزی شخص نابینایی اجازه خواست که خدمت حضرت محمد صلی الله علیه و آله برسد. فاطمه علیها السلام خود را از او پنهان ساخت. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: «فاطمه جان او که تو را نمی بیند. چرا خود را پنهان کردی؟» عرضه داشت: «ای رسول خدا، اگر او مرا نمی بیند، من که او را می بینم و بوی من را استشمام می کند.» پیامبر اکرم فرمود: «گواهی می دهم که تو پاره تن من هستی.»^{۲۱}

در محافل اجتماعی لباس حضرت فاطمه علیها السلام، ساده و به دور از تجملات بود. ایشان خود خطاب به پدر می فرماید:

پدر، سلمان از وضعیت لباس من شگفت زده شد. سوگند به آن کسی که تو را به حق مبعوث گرداند، پنج سال است که فرش و زیرانداز من و علی علیه السلام، پوست گوسفندی است که روزها برای شترهایمان علف روی آن می اندازیم و شبها روی آن می خوابیم. بالش های ما از پوست تهیه شده است و داخل آن با لیف خرما پر شده است.

پیامبر فرمود: «سلمان، دخترم زهرا، از دیگر زنان پیشی گرفته است.»^{۲۲}

فاطمه علیها السلام در زندگی سیاسی و در حضور بالاترین کارگزاران حکومتی، با پوشش برتر و کامل حضور داشت و ایفای نقش می نمود:

هنگامی که تصمیم گرفتند فاطمه را از فدک محروم سازند، این خبر به آن مخدیره رسید. روسری بر سر کرده و چادر به تن نمود و به اتفاق جمعی از خدمتکاران خود و زنان بنی هاشم، رهسپار مسجد شد. دامان چادرش به پای مبارکش می پیچید، به گونه ای راه می رفت که گویی رسول خدا گام برمی دارد. وی در جمع عده ای از مهاجرین و انصار و دیگر مسلمانان وارد شد. به احترام فاطمه علیها السلام پرده ای میان زنان و مردان در مسجد کشیده شد و آن بانو پشت پرده قرار گرفت. وقتی نشست، آهی سوزان از ژرفای دل دردمندش کشید...^{۲۳}

در این سطور، نکاتی درباره پوشش عقیقانه حضرت دیده می شود. نخست اینکه بیرونی ترین لباس این بانو در اجتماع، چادر بلندی است، به گونه ای که پایین آن، به پای حضرت می پیچید.



این نشان می‌دهد چادر عریض و طویل بوده است. دوم اینکه فقط به چادر بسنده نشده و در زیر آن، روسری یا مقنعه‌ای پوشید. دیگر؛ ایشان با چنین حجابی در میان مردم در مرکز حکومت که آن زمان، مسجد بود، حاضر می‌شود. نکته بعدی این است که به تنهایی به آن مرکز نرفته و تعدادی از محارم، وی را همراهی می‌کرده‌اند و آخرین نکته، رعایت حریم بین زن و مرد با پرده‌ای است که به احترام ایشان ایجاد می‌شود. گویا در مورد عموم مردم، چنین رسمی نبوده است، البته جایگاه زنان و مردان از ابتدا جدا بوده است.

وقتی که امام علی علیه السلام برای گرفتن بیعت به مسجد برده می‌شد، حضرت زهرا علیها السلام، حجاب و تغییر نوع پوشش خود را راهکاری برای متنبه کردن مخالفان برشمرد و آنان را بیم داد: «دست از پسر عموم بردارید! به خدا قسم، سرم را برهنه می‌کنم و پیراهن رسول خدا را بر سر افکنده...»^{۲۴} الگوی زنان و مردان عفیف، در هنگام مرگ نیز نگران حفظ عفاف خود و دور ماندن از محیط گناه بود:

حال فاطمه زهرا علیها السلام در اثر حزن و اندوه بسیار، به وخامت گرایید. تنها لبخند او بعد از رحلت پدر بزرگوارش هنگامی بود که در بستر شهادت با پوشیدن لباس آخرت نگاهی به بنت عمیس کرد و لبخندی زد و به تابوتی که برای حمل جنازه‌اش قبل از وفات وی ساخته شده بود، نگرست و فرمود: «شما با تهیه این تابوت، بدن مرا پوشانیدید. خداوند لغزش‌های شما را ببوشاند»^{۲۵}.

امام صادق علیه السلام فرمود:

نخستین تابوتی که در اسلام ساخته شد، تابوت مربوط به فاطمه زهرا علیها السلام بود. وی در آن بیماری به اسماء فرمود: «اسماء، بدنم لاغر و تکیده شده، حاضری برایم تابوتی درست کنی که بدنم را ببوشاند؟» اسماء عرضه داشت که: «بانوی من، دورانی که در حبشه بودم، دیدم که مردم آن سامان برای مردگان خود چگونه تابوت می‌ساختند. اگر مایل باشید نظیر آن را برایتان تهیه کنم. اگر آن را پسندیدید برایتان مانند آن را تهیه خواهم کرد». زهرای مرضیه علیها السلام فرمود: «باشد». اسماء، تختی را خواست و آن را وارونه کرد و سپس قطعه‌های چوبی از نخل طلبید و آن را به پایه‌های تخت، محکم بست و آنگاه با پارچه‌ای آن را پوشاند و عرضه داشت: «فاطمه جان، تابوتی را که دیدم آنها می‌ساختند، این گونه



بود. فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: «نظیر همین را برایم بساز و بدنم را بپوشان! خداوند

بدنت را از آتش دوزخ مصون دارد».^{۲۶}

ایشان، پیش از رحلت نیز کارهای مربوط به خود را انجام داد و لباس مخصوص پوشید. وی در واپسین لحظات عمر، پس از درخواست آب و شستشو، به سلمی ام بنی رافع فرمود: «انی مقبوضه الان انی قد فرغت من نفسی و انی قد اغتسلت فلا یکشفنی احدا»^{۲۷} در همین لحظه قبض روح می شوم و به سوی پروردگارم خواهم رفت. غسل کرده‌ام، پس هیچ کس لباس از تن من برنگیرد». آن حضرت در روز محشر نیز به عفاف شناخته می شود و از پوشش بهره مند است. شب رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ایشان به حضرت زهرا علیها السلام بشارت هایی می دهد: «فاطمه جان، به خدایی که مرا به حق برانگیخت، تا من وارد بهشت نشوم، ورود خلاق به بهشت حرام است و تو بعد از من نخستین کسی هستی که با پوشش، آراسته و مزین وارد بهشت خواهی شد».^{۲۸}

اگرچه ممکن است نوع پوشش دنیا با آخرت متفاوت باشد، ولی برهنگی در آخرت نیز که فرصت تکالیف تمام شده، معنایی ندارد. در آن هنگامه، عده ای عریان محشور می شوند و فاطمه علیها السلام دل نگران این رخداد است:

قالت فاطمه الزهرا علیها السلام: یا ایه ذکرک المحشر و وقوف الناس عراه یوم القیامه و

اسواته یومئذ من الله عزوجل.^{۲۹}

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام: ای پدر، یاد آوردم روز محشر و احوال مردم را در آن روز، در حالی که برهنه اند. وای از زشتی ها در پیشگاه خدای بزرگ در آن روز.

زندگی عقیفانه

فاطمه علیها السلام حضور در خانواده را محور نقش آفرینی زنان عقیفه می داند و به تعالی زنان با یاری پدر، مادر، همسر و فرزندان در کانون خانواده اهمیت ویژه ای داده است. آن حضرت بهترین زنان را کسی می داند که در غیر ضرورت، مردی را نمی بیند^{۳۰} و مردان اجنبی نیز او را نبینند. عفت نگاه را می توان به معنای کاستن از دید در مواقع ضروری نیز تعبیر نمود. همچنان که درباره مردان توصیه می کند:

الرجل احق به صدر دابته و صدر فراسه و الصلاه فی منزله الا امام یجتمع الناس علیه.^{۳۱}



هر مردی سزاوار است به سواری از اسب خویش و اداره خانه و خانواده خویش و نماز خواندن در منزل خویش، مگر فردی که مردم درخواست نماز جماعت از وی دارند.

برای زن در شرایط عادی، نقش آفرینی در خانواده نسبت به هر جای دیگری، به حریم عفاف، نزدیک تر است. روزی پیامبر ﷺ از یارانش پرسید: «در کدام لحظه، زن به خداوند نزدیک تر است؟» پاسخ مناسبی مطرح نشد تا اینکه حضرت زهرا (علیها السلام) پرسش پیامبر را شنید و پاسخ داد: «ادنی ما تكون من ربه ان تلزم قعر بیتها»^{۳۳} آن لحظه که زن در خانه خود می ماند و به امور زندگی و تربیت فرزند می پردازد، به خدا نزدیک تر است.

حضرت فاطمه (علیها السلام) کارهای منزل را با حضرت علی این گونه تقسیم می کرد: «خمیر کردن آرد و تمیز کردن خانه به عهده فاطمه (علیها السلام) باشد و کارهای بیرون از خانه، از قبیل جمع آوری هیزم و تهیه مواد اولیه غذایی بر عهده علی (علیه السلام) باشد و فاطمه (علیها السلام) از این تقسیم، خرسند بود»^{۳۴}. در نقل دیگری آمده: «کان امیر المؤمنین یحطب ویستقی و یکنس و کانت فاطمه (علیها السلام) تطحن و تعجن و تحبز»^{۳۵}. لازم به یادآوری است که کارهای آن زمان از روزگار کنونی، سخت تر و گسترده تر بود. ایشان همچنین به نقش ویژه خود در تربیت فرزندان و حمایت و رسیدگی به همسر، آگاه و عامل به آن بود.^{۳۵} دوری زن از معرض دید نامحرم یا عفت ورزی در معاشرت، به این معنا نیست که وی از وظایف دینی خود در اجتماع، به ویژه یاری رسالت و ولایت در برابر دشمنان اسلام شانه خالی کند. بانوی دو عالم، همان گونه که زندگی عفیفانه ای دارد، با عناوینی چون خانه نشینی زن، از خدمت به مقام رسالت کناره گیری نمی کرد:

در جنگ احد وقتی دید خونریزی پدر قطع نمی شود، زخم های وی را مداوا نمود و برای جلوگیری از خونریزی، قطعه حصیری را برگرفت و سوزاند و به خاکستر که تبدیل شد، آن را بر زخم پدر نهاد و خون، بند آمد. در ماجرای حفر خندق، قرص نانی را خدمت پدر آورد. رسول خدا ﷺ از وی پرسید: «فاطمه جان چه آوردی؟» عرضه داشت: «قرص نانی است که برای غذای فرزندانم تهیه کرده ام، ولی آرامش نیافتم و آن را خدمت شما آوردم تا تناول کنی.» رسول خدا فرمود: «دخترم این قرص نان، نخستین خوراکی است که بعد از سه روز وارد دهان پدرت می شود»^{۳۶}.





پس از وفات عبدالمطلب و ابوطالب، دو حامی اجتماعی رسول اکرم صلی الله علیه و آله، پیامبر بیش از پیش مورد طعن و سرزنش و آزار و اذیت مخالفان و جاهلان قرار می گرفت. فاطمه علیها السلام ضمن حمایت از پیامبر خدا، از این آزارها در حق ایشان رنجور می شد و رسول اکرم صلی الله علیه و آله او را دلداری می داد. این رفتار فقط از محبت و ارتباط پدر و فرزند سرچشمه نمی گیرد، بلکه دغدغه او برای رسالت اجتماعی پیامبر می باشد و نشانگر اندیشه اجتماعی فاطمه علیها السلام در حمایت از نبوت است. روزی نادانی مشت خاکی بر سر و صورت رسول خدا صلی الله علیه و آله پاشید. فاطمه علیها السلام به حمایت از پیامبر برخاست؛ خاک از چهره او زدود و با آب، سر و صورت ایشان را شستشو داد و از این جسارت گریست. پیامبر صلی الله علیه و آله دستان خود را بر سر فاطمه کشید و فرمود: «دخترم گریه نکن! خداوند حافظ و نگهدار پدر توست و او را در مبارزه بر ضد دشمنان دین و رسالتش یاری می دهد».^{۳۷}

رسول خدا نیز فاطمه علیها السلام را شایسته فعالیت های سیاسی و اجتماعی می دانست. وی نه این مسایل را از ایشان پنهان می کرد و نه حضورش را برای نقش آفرینی در جنگ با دشمنان، دور از مقام عفت می دانست:

هنگامی که فاطمه زهرا و صفیه، بعد از جنگ احد خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرف شدند و چشمشان به وجود مقدس پیامبر افتاد، رسول خدا به علی علیه السلام دستور داد: «نگذار عمه ام وضعیت مرا ببیند! او را نگهدار، ولی اجازه بده فاطمه علیها السلام نزد من بیاید.» وقتی فاطمه علیها السلام به رسول خدا نزدیک شد و چشمش به پیشانی شکسته و دهان پر از خون پدر افتاد، فریاد زد و به پاک کردن خون مشغول شد و همواره می گفت: «خشم شدید خدا بر کسانی که چهره پیامبر خدا را خونین ساختند».^{۳۸}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام نوعی نوحه سرایی آموخت تا پس از رحلتش، مردم را در پرتو آن از اشتباهی که ممکن است پس از مرگ رسول مرتکب شوند، دور کند. ایشان به فاطمه فرمود:

... فرزندم این گونه بگو:

محمد صلی الله علیه و آله نیز یکی از فرستادگان خدا بود و پیش از او نیز پیامبرانی آمده بودند. آیا اگر او از دنیا برود یا کشته شود، شما به آیین پیشینیان خود باز می گردید؟ هرکس مرتکب این عمل شود، کوچک ترین زیانی به خدا نمی رسد و خداوند

سپاسگزاران را پاداش می‌دهد.^{۳۹}

پیامبر خدا ﷺ، فاطمه علیها السلام را به رفتاری عقیقانه در عزای رحلت خود سفارش نمود. فاطمه زهرا علیها السلام همراه حسنین علیهم السلام در هنگام بیماری، نزد رسول اکرم ﷺ شرفیاب شد. زهرا علیها السلام خود را روی بدن پیامبر ﷺ نهاد و سینه بر سینه او گذاشت و گریست. رسول اکرم ﷺ فرمود: «فاطمه جان، بر من گریه نکن و بر صورت زن و آن را نخراش و مویت را پریشان نکن و دل را به آنچه خدا برایت خواسته تسلی ده!» سپس خود به گریه افتاد و فرمود: «خدایا تو جانشین من میان اهل یتیم هستی. خدایا، اینان امانت‌های من نزد تو و مؤمنین هستند».^{۴۰}

حضرت صدیقه طاهره علیها السلام نیز سفارش‌های پدر را به کار بست و دور از چشم مردم، سایبانی در بقیع اختیار کرد و در آنجا بر هجران نبی خدا می‌گریست. احقاق حق امامت و بازپس‌گیری فدک، فاطمه علیها السلام را واداشت تا با حضور در میدان سیاست، افزون بر استفاده از خطابه‌ها به رفتاری سیاسی همراه با عفت و نجابت دست زند. ایشان در جمع سران سیاسی آن دوران حاضر می‌شد و احقاق حقوق خود از جمله خمس، فدک و دیگر اموال را می‌نمود.

پرهیز از درخواست‌های دنیوی

یکی از ابعاد عفاف رفتاری، پرهیز از خواسته‌های ناپایدار دنیوی است. از جمله اینها، خویشتن‌داری در ارضای خواسته‌های شکم و تعلقات زینتی می‌باشد. حضرت زهرا علیها السلام از این گونه عفاف نیز بهره فراوان داشت. ایشان، دلیل این امر را این گونه بیان می‌فرماید: «لذتی که از خدمت حضرت حق می‌برم، مرا از هر خواهشی بازداشته است. حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند باشم».^{۴۱}

گاهی این بانو و فرزنداناش روزها گرسنه می‌ماندند و برای خدا صبر می‌نمودند. از عمران بن حصین نقل شده است:

خدمت رسول خدا نشسته بودم که فاطمه علیها السلام وارد شد و برابر آن حضرت ایستاد. پیامبر نگاهی به فاطمه علیها السلام کرد؛ دید از شدت گرسنگی و بی‌رمقی رنگ چهره مبارکش به زردی گراییده است. دو بار فرمود: «فاطمه جان نزدیکم بیا!»





فاطمه علیها السلام نزدیک شد و برابر پدر ایستاد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست مبارکش را در مکان گردن‌بند فاطمه بر سینه‌اش نهاد و انگشتان خود را فاصله داد و عرضه داشت: «ای خدایی که گرسنگان را سیر و مردم را از هلاکت نجات می‌بخشی، هیچ‌گاه فاطمه‌ام را گرسنه مگذار». ^{۴۲}

گاهی سکوت و خودداری از سخن، نشانه عفت کلام می‌باشد. حضرت زهرا علیها السلام در مواجهه با پدر و دیگران، از بیان هرگونه درخواست دنیوی شرم داشت و سکوت اختیار می‌نمود. شرح سکوت عفیفاً حضرت در برابر خواسته‌های دنیوی را در کلام بلیغانه امام علی علیه السلام می‌یابیم: آیا درباره خود و فاطمه علیها السلام برایت نگویم؟ زهرا در خانه من حضور داشت. وی از همه خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد آن حضرت محبوب‌تر بود. فاطمه به اندازه‌ای مشک آب بر دوش می‌کشید که جای بند آن بر سینه مانده بود. آن‌قدر دستاس گردانید که دستانش تاول زده و متورم بود و به قدری خانه را جارو می‌زد که لباس‌هایش پر از گرد و غبار شد. آن‌قدر آتش در زیر دیگ برافروخت که لباس‌هایش از دود تیره شد و در این خصوص آسیب فراوانی دید. به او گفتم: «خدمت پدر بزرگوارت برو و از او بخواه خدمتکاری در اختیارت قرار دهد تا سختی انجام این امور را از دوش تو بردارد». وی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رهسپار شد و ملاحظه کرد که عده‌ای با حضرت، مشغول صحبت کردن هستند. شرم کرد و به خانه برگشت... پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صبح زود روز بعد، به خانه فاطمه علیها السلام آمد و پرسید: «فاطمه جان دیروز نزد من چکار داشتی؟» ترسیدم اگر زهرا علیها السلام پاسخ ندهد، حضرت به‌پاخواسته، برود. عرضه داشتیم: «ای رسول خدا، من ماجرا را به شما عرض می‌کنم.»... رسول خدا در پاسخ فرمود: «آیا دوست دارید چیزی که به مراتب از خادم بهتر است، به شما بیاموزم؟ هنگام خواب ۳۳ بار سبحان الله، ۳۳ بار الحمد لله و ۳۴ بار الله اکبر بگویید». ^{۴۴}

حضرت زهرا علیها السلام حتی از طرح درخواست با همسر خود نیز خودداری ورزیده و سکوت، پیشه می‌کرد:

علی بن ابیطالب علیه السلام روزی گرسنه بود. نزد فاطمه آمد و به او گفت: «فاطمه جان، چیزی در خانه داری تا رفع گرسنگی کنم؟» عرض کرد: «نه! سوگند به آن کسی که پدرم را به پیامبری و تو را به وصایت و جانشینی وی کرامت

بخشید، امروز چیزی برای خوردن در اختیار نداریم و از دو روز پیش خوراکی نداشتیم، مگر آن مقدار که شما را بر خود و فرزندانم حسن و حسین ترجیح دادم». علی علیه السلام فرمود: «فاطمه جان چرا مرا در جریان قرار ندادی تا برایتان چیزی تهیه کنم؟» حضرت زهرا علیها السلام عرضه داشت: «ای ابوالحسن، من از خدای خود شرم دارم تو را برای تهیه چیزی که قادر بر آن نیستی، مجبور کنم».

فاطمه علیها السلام اگرچه خود از بیان خواسته‌های مادی عفت می‌ورزید، ولی درخواست دیگران را بی‌پاسخ نمی‌گذاشت و پرهیز ایشان از درخواست با ایثار در زندگی اجتماعی همراه بود. روزی امام علی علیه السلام وارد منزل شد و از فاطمه علیها السلام پرسید: «آیا غذایی در منزل داریم؟» حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «ما عندنا الا قوت الصبیه و لکننا نوثر به ضیفنا؛^۴ در خانه ما غذایی نیست، مگر به اندازه خوراک دختر بچه، اما ایثار می‌کنیم و آن را به مهمان می‌بخشیم».

عفت کلام

کلام عقیقانه در سه حوزه قابل بررسی است:

۱. آهنگ: صدای انسان عقیف موجب ایجاد ریبه نمی‌شود.
۲. نحوه بیان: فرد، کلامش را چگونه شروع کرده، ادامه دهد و به پایان برد.
۳. محتوا: انسانی که عفت در سخن دارد، درون‌مایه سخنش الهی بوده و از بیهوده‌گویی می‌پرهیزد.

با بررسی سیره حضرت زهرا علیها السلام در می‌یابیم که ایشان کلامی عقیقانه داشت. گفتگویی از حضرت زهرا علیها السلام با خلفا در تاریخ نقل شده که بیانگر عفاف این بانو در دو حوزه لحن و محتوای سخن می‌باشد. ایشان، نارضایتی خود را از رفتار سران حکومت، این‌گونه بیان می‌نماید:

شما را به خدا سوگند می‌دهم که آیا شما از رسول خدا نشنیدید که فرمود: «خشنودی فاطمه از خشنودی من و خشم او از خشم من است. آن‌کس که فاطمه علیها السلام را دوست داشته باشد، مرا دوست داشته و کسی که وی را خشنود کند، مرا خشنود نموده و کسی که وی را خشمگین سازد مرا به خشم آورده است».

آنها به صدق گفتار فاطمه علیها السلام اعتراف کردند: «درست است. ما این حدیث را از پیامبر شنیده‌ایم». وقتی آن حضرت چنین اقراری را شنید، حجت را تمام‌شده دید و فرمود: «من، خدا



و فرشتگانش را گواه می گیرم که مرا به خشم آوردید و در صدد خرسندی ام برنیا میدید و اگر با پدرم رسول خدا ﷺ دیدار کنم، شکایت نزد او خواهم برد».^{۴۶}

یکی از شاخصه های عفاف در سخن فاطمه علیها السلام، بهره گیری از کلام مستدل در دفاع از امامت بود. آن حضرت با گفتاری شیوا و الهی مانند پدر به این کار می پرداخت. سخنرانی پس از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد مدینه، اتمام حجت و اعلام نارضایتی از برخی در هنگام رویارویی و سخنرانی در جمع زنان مهاجر و انصار که به عبادتش آمده بودند، از جمله این اقدامات بود.^{۴۷}

شیوه حضرت در بیان سخن نیز عفیانه است. وی نه از ابزار لهو و لعب مانند مدح ناحق استفاده نموده و نه کلامی پراکنده و منقطع می گوید؛ با حمد و ثنای خداوند متعال آغاز کرده، نعمت ها و الطاف بی شمار خداوند را یادآور می شود و به نزول قرآن و عظمت آن و رسالت پیامبر و خدمات و آزار و اذیت های متحمل شده در راه ابلاغ دین خدا و هدایت امت، گواهی می دهد. سپس، مردم را متوجه احکام الهی و فلسفه آن می نماید و به بیان جایگاه علی علیه السلام و نقش او در اسلام و گسترش آن می پردازد. آن گاه از گمراهی امت پس از رحلت رسول و دسیسه های دشمنان در حق خاندان نبی می گوید و سخن را به موضوع غصب مسند خلافت، برای منزوی کردن خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله می برد. پس از آن موضوع فدک را مطرح می نماید و ادله احقاق حق اهل بیت را مفصل بیان نموده، پاسخ ادعاهای ناحق را می دهد. در پایان که ناتوانی دردناک مخاطبین را در درک و پذیرش حقیقت می بیند، این رویداد را ریشه یابی کرده و به دلایلی از جمله لقمه حرام و... اشاره می نماید. فاطمه علیها السلام به گونه ای شگفت انگیز در این خطابه، عفت در کلام و ترتیب در بیان را رعایت می کند.

پس از آوردن دلایل مختلف، سکوت و پرهیز از هم سخنی با دشمنان، آخرین چاره فاطمه علیها السلام در برابر مخالفان است. علت اصلی برگزیدن این موضع حیای فاطمه علیها السلام و عفت ورزی او در مقابله با سرسخت ترین افراد است.

نوحه سرایی و گریه آن حضرت بر رویدادهای تلخ آن روزگار از جمله رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله، بیانگر رعایت عفت در هنگامه های مصیبت و سختی است؛ مواقعی که انسان، اختیار از کف می دهد و مصیبت و اندوه، بی تابش می کند:



امام علی علیه السلام به خانه آمد و بر زهرا علیها السلام وارد شد و بدو فرمود: «دخت رسول خدا، فاطمه جان، بزرگان مدینه از من درخواست کرده‌اند که از شما بخواهم یا شب در مصیبت پدر گریه کنی یا روز». فاطمه علیها السلام در پاسخ به علی علیه السلام فرمود: ابوالحسن، من اندک زمانی بیش، میان آنان نیستم و به زودی از میان آنها رخت خواهم بست». امام علی علیه السلام ناگزیر در پشت دیوار بقیع، خارج از شهر، سایبانی که آن را «بیت الاحزان» نامید، ایجاد کرد. زهرای مرضیه علیها السلام بامدادان امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را پیشاپیش و خود در پی آنان، رهسپار بیت الاحزان می‌شد و گریه‌کنان و اشک‌ریزان از بقیع می‌گذشت و با فرارسیدن شب، امیرمؤمنان نزد فاطمه علیها السلام می‌رفت و وی را تا منزل همراهی می‌کرد.^{۴۸}

نتیجه‌گیری

عفاف از آموزه‌های اسلام و مصونیت‌بخش فرد و جامعه از آسیب‌های مادی و روحی می‌باشد. مکتب قرآن به رعایت سه حوزه مهم عفاف شامل پوشش، رفتار و کلام تأکید دارد. حضرت زهرا علیها السلام در مقام والای عصمت و در جایگاه فرزند نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حاکم اسلامی از هر سه بخش عفاف در زندگی اجتماعی- سیاسی بهره‌مند بود؛ بر روی لباس‌ها، مقنعه (روسری) و بر روی مقنعه، چادری بلند داشت، همراهان زن، وی را برای نقش‌آفرینی سیاسی تا مسند حکومت همراهی می‌کردند و به احترام ورود این بانو پرده‌ای کشیده می‌شد و میان مرد و زن جدا می‌گشت.

در زمینه رفتار، وی زندگی عفیفانه‌ای را در اجتماع برگزیده بود. خانواده، نخستین و مهم‌ترین عرصه‌ای بود که ایشان در شرایط عادی، به حضور و نقش‌آفرینی زن در آن تأکید داشت تا مرد نامحرمی، زن را و زن نیز مرد نامحرمی را نبیند؛ زیرا در این مکتب، حضور در خانه و تربیت فرزندان، اهمیت ویژه‌ای در مسیر تقرب الهی دارد. این روش، به معنای بی‌تفاوتی به مسایل مهم اجتماع نیست. آن حضرت درخواست دنیوی از دیگران نداشت و منزلی ساده را با کمترین امکانات اداره می‌کرد. آن قدر حیا داشت که نیاز دیگران را بی‌پاسخ نمی‌گذاشت و گاه با اهدای لباس عروسی خویش در شب زفاف، درخواست‌کننده را خشنود می‌کرد.

فاطمه در عفاف کلامی نیز نمایانگر بانویی کامل بود. وی در محتوای کلام و آهنگ و



ترتیب سخن‌گویی شگفتی‌آفرین بود. این شاخصه به وضوح در خطابه‌های ایشان و در حضور سران و کارگزاران سیاسی در مسجد، در جمع زنان و در برخورد با سایرین پیدا بود. اگرچه تمام شاخصه‌های عفاف در وجودش نهاده شده بود، ولی رسول خدا ﷺ و امام علی علیه السلام وی را به خانه‌نشینی در زمان نیاز جامعه به حضور و نقش‌آفرینی، وادار نکردند.

پی نوشت‌ها

۱. احمد بهشتی، منشور عفاف، ص ۱۵.
۲. بقره: ۲۷۳
۳. نساء: ۶
۴. نور: ۳۳
۵. نور: ۶۰
۶. نور: ۳۰ و ۳۱
۷. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۵۷.
۸. همان، ص ۴۶۷.
۹. همان، ص ۴۷۰.
۱۰. همان، ۴۷۱؛ رک: احزاب: ۵۹؛ اعراف: ۲۶؛ احزاب: ۳۳.
۱۱. عبدالواحد تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۵۳.
۱۲. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۷؛ محمدبن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۷۹؛ رک: سید شرف الدین حسینی استرآبادی، تأویل الایات الظاهره.
۱۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۷.
۱۴. حسن بن ابی حسن دلمی، ارشادالقلوب، ج ۲، ص ۲۳۱.
۱۵. محمدبن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ص ۷۴؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۳.
۱۶. علی بن عیسی ارملی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۰.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، زندگانی ۱۴ معصوم، ص ۱۴۸.
۱۸. حسین بن محمد تقی نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۹۸.
۱۹. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳، ص ۸۶.
۲۰. اصول کافی، ج ۵، ص ۵۳۸؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۱۵.
۲۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۸۹.
۲۲. محمدرضا حکیمی، الحیاء، ج ۲، ص ۳۴۶.
۲۳. ابومنصور احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۷.
۲۴. همان، ص ۸۶.
۲۵. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۶۸.
۲۶. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۳؛ محمدبن حسن طوسی، التهذیب، ج ۱، ص ۴۶۹؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲۰.
۲۷. محمدبن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۶۴؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۸۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۰۲.
۲۸. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۴۹۰.
۲۹. همان، ج ۸، ص ۵۳.
۳۰. رک: وسائل الشیعه، ج ۲۰، صص ۶۷ و ۲۳۲؛ بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۶.
۳۱. عبدالله، بحرانی، عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۱، ص ۹۱۹.
۳۲. بحارالانوار، ج ۳۴، ص ۹۲.
۳۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۸؛ بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۳۱ و ۸۱.
۳۴. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۰.
۳۵. رک: مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۸۹.
۳۶. محمدبن سعد کاتب واقدی، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۰۶.
۳۷. سید حکیم منذر و دیگران، پیشوایان هدایت، ص ۹۰.
۳۸. زندگانی ۱۴ معصوم، ص ۱۱۹؛ بحارالانوار، ج ۲، ص ۹۶.
۳۹. محمد بن محمد مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۱۸۷.
۴۰. پیشوایان هدایت، ج ۳، ص ۱۴۰.
۴۱. ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۱۰۵.
۴۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۸۱.
۴۳. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۵.





۴۴. همان، ص ۵۹.

۴۵. عبدالعلی بن جمعه الحویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۸۵؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۵۹.

۴۶. علی بن موسی بن طاووس، طرائف، ج ۲، صص ۳۸۷ و ۳۸۹.

۴۷. احمد بن ابی طاهر بن طیفور، بلاغات النساء، ص ۳۳.

۴۸. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۷؛ محمدعلی بن بابویه، الخصال، ج ۱، ص ۳۰۲.

فهرست منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ترجمه احمد فهری، تهران، نشر علمیه اسلامی، [بی تا].
۲. _____، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرّسین، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، نشر علامه، ۱۳۷۹.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف، ترجمه داوود الهمای، تهران، نشر نوید اسلام، ۱۳۷۴.
۵. ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر، بلاغات النساء، قم، نشر شریف رضی، [بی تا].
۶. ابو منصور، احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۷. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، ترجمه علی بن حسین زواره‌ای، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۸۲.
۸. بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم و المعارف، قم، نشر مؤسسه الامام المهدی، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۹. بهشتی، احمد، منشور عفاف، قم، نشر بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، نشر آل البيت، ۱۴۰۹ هـ. ق.
۱۲. حسینی استرآبادی، سید شرف‌الدین، تأویل الايات الظاهره، قم، نشر جامعه مدرّسین، ۱۴۰۹ هـ. ق.
۱۳. حکیمی، محمدرضا، الحیاء، ترجمه احمد آرام، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۴. الحویزی، عبدالعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، نشر اسماعیلیان، ۱۴۱۵ هـ. ق.
۱۵. دیلمی، حسن بن ابی حسن، ارشاد القلوب، قم، نشر شریف رضی، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۱۶. شیخ طوسی، محمد بن حسن، التهذیب، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۱۷. _____، الامالی، قم، نشر دارالافتاه، ۱۴۱۴ هـ. ق.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، زندگانی ۱۴ معصوم، ترجمه اعلام الوری، تهران، نشر اسلامیه، ۱۳۹۰ هـ. ق.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۲۰. کاتب واقدی، محمد بن سعد، طبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.
۲۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، انتشارات مکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴ هـ. ق.
۲۲. محلاتی، ذبیح‌الله، ریاحین الشریعه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰.
۲۳. مفید، محمد بن محمد، الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۲۴. _____، الامالی، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷.
۲۶. منذر، سید حکیم و دیگران، پیشوایان هدایت، ترجمه عباس جلالی، قم، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۳۸۵.
۲۷. نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ هـ. ق.